



بهر روز نورانی پور از فیلم «دایان» به «صبا» می گوید

# تداعی ترومای جنگ!



گزارش «صبا» از «کتاب باز» و جایگاهش در تلویزیون

## غذای روح با چاشنی کتاب

گزارش «صبا» از آهنگ‌های خاطره ساز نوروزی

## عیدانه‌هایی به رنگ خاطره



روزنامه فرهنگ و هنر



سرمقاله

هنرهای تجسمی

جشنواره و نگاه به آینده

هادی مظفری

رئیس شورای سیاست‌گذاری

جشنواره تجسمی فجر

رویدادهای بزرگ فرهنگی و هنری، بدون مطالعه و غور در ادوار پیشین و تأمل در داشته‌ها نمی‌توانند راه به صواب ببرند. در شکل‌گیری شورای سیاست‌گذاری یازدهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر نیز با این نگاه و رویکرد، وارد کارزار بخشی از جشنواره‌های فجر شدیم که بزرگ‌ترین خانواده هنری ایران را تشکیل می‌دهد.

تجربه‌های گذشته مبتنی بر آزمون و خطاهایی بود، که بررسی هر یک می‌توانست مازاد را پیشبرد بهتر جشنواره یاری رساند. شورای سیاست‌گذاری در مهرماه با حضور هنرمندانی از رشته‌های مختلف هنرهای تجسمی متولد شد و در بحث‌های طولانی و جلسات مفید، نظر اعضا بر آن بود که رشته‌های هنری به تفکیک از هم، سنجیده شوند. همه می‌دانستند که در جهان هنری امروز، فرقی میان رشته‌ها و مدیوم‌ها نیست و همه در کنار هم دوشادوش یکدیگر بار هنر را به مقصود می‌رسانند، اما آنچه رأی و نظر اعضا را بر تفکیک رشته‌ها استوار کرد، سنجش و داوری قیاس‌ناپذیر میان رشته‌هایی بود که یکی از دل تاریخ برآمده بود و دیگری از فراز و نشیب دنیای مدرن.

این گونه بود که تصویرسازی، خوشنویسی، سرامیک، طراحی گرافیک، عکاسی، کاریکاتور و کارتون، مجسمه، نقاشی، نگارگری و هنرهای جدید، رشته‌ها و بخش‌های تخصصی یازدهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر شدند.

نگاه و شعار امسال جشنواره رویکردهای معاصر در هنر ایران بود. رسیدن به همین عبارت چند کلمه‌ای، خود داستانی داشت. هنرمندان بر این اعتقاد بودند که آن که در این روزگار می‌زید، بلاشک معاصر است اما برخی نیز بر این نظر بودند که زیست در جهان معاصر، شاید مبتنی بر اندیشه‌ای در جهان ماقبل مدرن نیز باشد. در هر حال، اجماع بر این شد که حتی در هنری مانند نگارگری نیز می‌توان منظری مدرن و رویکردی معاصر داشت و همین امر نیز شور را متقاعد کرد تا رویکردهای معاصر در هنر ایران بر پیشانی جشنواره بنشیند.

بخش مسابقه جشنواره یازدهم همه ما را شگفت‌زده کرد. حضور شش هزار نفر از هنرمندان تجسمی کشور که در این ۱۰ رشته حدود ۱۳ اثر ارسال کرده بودند کار داوری را سخت دشوار کرده بود. با این حال ۳۲ داور و ۱۰ دبیر به مدت یک‌ماه در نبردی جانانه و هنرمندانه، این ۱۳ هزار اثر را دیدند و بحث کردند و چانه زدند که کدام باشد و کدام نه... تا این که ۶۰۰ اثر جواز ورود به نمایشگاه مسابقه طوبای زرین را دریافت کردند. این بخش افتخاری برای جشنواره یازدهم است. آثاری که به گفته هنرمندان پیشکسوت و منتقدان کارنامه قابل قبولی برای هنرهای تجسمی ایران به جا گذاشت.

در حیطه اجرا و بخش بندی جشنواره، به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب چند بخش در جشنواره تعریف شد. عکس روزهای انقلاب با رویکرد بازنگری تصویری در هنر عکاسی در روزهای تب و تاب انقلاب و همچنین یادکردی از هنرمندانی در گذشته که هر یک نامی بلند در عرصه عکاسی اجتماعی و مستندنگاری بودند، شکل گرفت. «چهل نمایشگاه چهل شهر» بازنگری در آثار هنرمندان ایرانی چهل سال اخیر بود که اثرشان در گنجینه موزه معاصر موجود بود. «پلاک ۴۰» نیز عنوانی بود بر تارک نقش و نگاره‌های هنرمندان انقلاب که آثارشان می‌توانست منظری پژوهشی برای علاقه‌مندان ایجاد کند.

هر یک از این بخش‌ها جایگاه ارزنده هنرمندان و هنرشان را در این چهل سال به تماشا گذاشت. در سوی دیگر «تمايه ۴۰» با بیان و تصویر کردن ۷۵۰ اثر چاپی از مولفان و پژوهشگران، فرصتی بود برای بازنگری در کارنامه نشر هنرهای تجسمی.

اما آنچه برای اداره کل هنرهای تجسمی و به طریق اولی برای جشنواره اهمیت داشت، پیدا کردن حلقه‌های مفقوده هنرهای تجسمی در ارتباط با عموم مردم بود. قاطبه هنرمندان و منتقدان و کارشناسان می‌دانند که اقتصاد هنر و فروش آثار هنری و گردش مالی در عرصه هنرهای تجسمی بوده و هست. در این بخش تلاش گسترده‌ای صورت گرفت. دعوت از نگارخانه‌داران برای حضور در جشنواره، ماجرای مفصل دارد. به تعبیری فاصله ایجاد شده در همه این سال‌ها که منجر به نوعی نادیده گرفتن بخش خصوصی و دولتی شده بود در این تلاش مضاعف به حداقل رسید. اجابت این دعوت از سوی نگارخانه‌داران از چند جهت اهمیت داشت. نخست ترمیم نااعتمادی میان دولت و بخش خصوصی و دوم ایجاد فضایی که تجربه‌ای تازه را برای هنرهای تجسمی رقم زد. سخن از اولین بار و چندمین بار نیست. نکته بر سر این ماجراست که تولد بخش «چارسوی هنر» توانست جشنواره یازدهم فجر را به نقطه امیدی برای اداره کل و نگارخانه‌داران بدل کند که می‌توان در کنار هم به نفع هنرهای تجسمی و به‌ویژه مخاطبان ناشناخته این هنر کار کرد.

آنچه برای من در یازدهمین جشنواره اهمیت داشت این که خانواده بزرگ هنرهای تجسمی توانست بار دیگر به دور باغیض‌ها و پیش‌داوری‌ها کنار هم جمع آید و از ماحصل کار نتیجه و بار و بر خوبی برداشت کند.

در نتیجه ما بر آنیم تا پایان یازدهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر را نقطه آغاز دهه دوم جشنواره بدانیم که با نیروی مضاعف و توانی بی‌بدیل، چشم به راه آینده خواهیم داشت. در پایان به این مسئله اشاره می‌کنم که دست منتقدان و کارشناسان هنری را به گرمی می‌فشاریم و در راه نقد و بررسی عملکرد این دوره از جشنواره صمیمانه گرد هم می‌آییم تا قوت‌ها را بیش از این کنیم و نقاط ضعف را ترمیم.